Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/

Vol. 56, No. 1: Issue 112, Spring & summer 2024, p.263-285

Online ISSN: 2980-9126

Print ISSN: 2008-9120

Receive Date: 18-08-2023 Revise Date: 09-10-2023 Accept Date: 25-10-2023

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.83968.1583

Article type: Original

Analyzing and Criticizing Reynolds's Views regarding the Idea of "Fate and Immediate Retribution of Martyrs in the Quran" and its Biblical Subtext

Nasrin Vejdani **(Corresponding author)**

Ph.D. Student, Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

Email: N.vejdani@alzahra.ac.ir

Dr. Soheila Jalalikondori

Associate Professor, Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

Gabriel Said Reynolds developed his idea on the "Immediate retribution of Martyrs after Death" based on his interpretation of some Quranic verses and narrations and the opinions presented in Tabari's commentary. He believed that martyrs immediately ascend to eternal heaven without experiencing the intermediate state *Barzakh* (purgatory). Reynolds credited the Church Fathers, particularly the Syriac Fathers and selected verses from the Bible as inspiration for this idea.This study examined Reynolds' viewpoint and supporting documents using descriptive and analytical methods. This hypothesis was initially criticized based on Quranic and narrative evidence. It has been subsequently demonstrated that Reynolds has misunderstood Tabari's interpretation. Moreover, the claim that this doctrine, in addition to the Syriac Fathers, can also be found among church fathers in the West, such as Tertullian, who has been called the father of Latin Christianity and the founder of Western theology, was deemed a misinterpretation. Based on research on Tertullian's views about this idea, early scholars' reading of Tertullian's views revealed that martyrs, like other souls, remain in the place of deceased souls (Hades) until the Day of Resurrection.

Furthermore, analyzing the context and revising some of the terms in the Bible verses cited by Reynolds suggested that martyrs do experience the Barzakh period *Barzakh* (purgatory) according to the Bible's teaching. If this idea is proven, the commonality of this concept in Christian theology and Islamic theology can be explained by the belief in the unique origin of divine revelation.

Keywords: Bible, Purgatory, Heaven, Immediate retribution, Reynolds, Martyr, Quran

Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/

سال ۵۶ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۱۲ - بهار و تابستان ۱۴۰۳ ، ص ۲۸۵ - ۲۶۳

شاپا الکترونیکی ۹۱۲۶-۲۹۸۰

شاپا چاپی ۹۱۲۰-۲۰۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۷

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.83968.1583

نوع مقاله :پژوهشی

بررسی و نقد آرای رینولدز در باب ایدهٔ «سرنوشت و جزای فوری شهدا در قرآن» و زیرمتن بایبلی آن

نسرین وجدانی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران

Email: N.vejdani@alzahra.ac.ir

دکتر سهیلا جلالی کندری

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران

چکیده

گابریل سعید رینولدز ایدهٔ «جزای فوری شهدا پس از مرگ» را با تکیه بر برداشت خویش از ظواهر آیات و روایات و نیز آرای تفسیری طبری، به‌معنای عدم‌تجربهٔ برزخ و وصول بلافاصلهٔ آنان به بهشت جاودان انگاشته و آن را متأثر از آموزه‌های پدران کلیسا، به‌ویژه پدران سریانی و ناظر به برخی آیات در کتاب مقدس برشمرده است. در این پژوهش پس از نقد این فرضیه باتوجه‌به شواهد قرآنی و روایی با روش توصیفی و تحلیلی، دیدگاه رینولدز و مستندات وی بررسی و این نتایج حاصل شده است که رینولدز در برداشت خود از تفسیر طبری اشتباه کرده است؛ به‌علاوه ادعای اینکه این ایده افزون‌بر آموزه‌های پدران سریانی از آموزه‌های پدران کلیسا در غرب نیز اثر پذیرفته است، با دقت در آرای «ترتولیان» که از پدران کلیسای لاتین و بنیان‌گذار الهیات غربی به شمار می‌آید، سوءبرداشتی از آرای وی تلقی شده است. خوانش محققان نخستین از دیدگاه‌های ترتولیان روشن می‌سازد که شهدا نیز همانند سایر ارواح تا روز رستاخیز در مکان ارواح متوفا باقی می‌مانند. همچنین سیاق آیات مورد استناد رینولدز از کتاب مقدس و بازخوانی برخی اصطلاحات آن گویای این است که بر طبق آموزه‌های بایبل نیز شهدا دورهٔ برزخ را طی می‌کنند. درصورت اثبات این ایده در الهیات مسیحی، اشتراک این مفهوم در الهیات اسلامی و مسیحی، نه براساس انگارهٔ انعکاس آموزه های کلیسا و متون بایبلی در معارف قرآنی؛ بلکه در پرتوِ اعتقاد به منشأ واحد وحی در ادیان الهی، قابل تبیین است

واژگان کلیدی: بایبل، برزخ، بهشت، جزای فوری، رینولدز، شهید، قرآن.

مقدمه

مفاهیم «شهید» و «شهادت»، به‌عنوان مفاهیمی بین ادیانی در بیشتر ادیان بزرگ جهان به رسمیت شناخته و نهادینه شده است.[١] در فرهنگ مسیحی و یهودی، از شهید با واژهٔ «Martyr» یاد می‌شود. گفته شده است که معنای اصلی واژهٔ یونانی Martys، شاهد یا گواه (Witness) است و ازآنجاکه بارزترین شهادت مسیحیان بر ایمان خود، مردن در راه ایمان بوده است، این کلمه به‌زودی دربارهٔ کسی استفاده شد که نه‌تنها شاهد بود؛ بلکه به‌طور خاص شاهد مرگ بود.[٢] واژهٔ شهادت در کتاب‌های لغت عربی، به‌معنای «حاضر و گواه‌بودن»[٣] و واژهٔ شهید -علاوه‌بر شاهد و گواه- در معنای «کشته‌شدهٔ در راه خدا»[٤] به کار رفته است.[٥] بر طبق دیدگاه غالب در فرهنگ اسلامی، عموم انسان‌ها -ازجمله شهدا- در فاصلهٔ میان مرگ و روز رستاخیز، در برزخ به سر می‌برند. در متون تفسیری و روایی، زندگی شهیدان و رزق یادشده در آیات ١٥٤ سورهٔ بقره و ١٦٩ سورهٔ آل عمران، به عالم برزخ بازگردانده شده است؛[٦] اما دربارهٔ تجربهٔ برزخ توسط شهدا و موضوع دریافت پاداش فوریِ دخول به بهشت جاودان پس از شهادت، در میان برخی از محققان غربی مناقشه شده است. گابریل سعید رینولدز[٧] با استناد به آیاتی از قرآن، که به بیان حضور شهید در بهشت پس از مرگ و دریافت رزق نزد خداوند متعال می‌پردازد، و نیز بر مبنای برخی روایات و آرای تفسیری معتقد است که از منظر قرآن شهدا پاداش خود را بلافاصله پس از مرگ دریافت خواهند کرد و برای دریافت این پاداش منتظر فرارسیدن رستاخیز نخواهند بود.[٨] رینولدز بر این اعتقاد است که شهید دورهٔ انتظار میان مرگ و روز قیامت را -که در فرهنگ اسلامی از آن به برزخ یاد می‌شود- تجربه نمی‌کند و بلافاصله به آسمان

---

١. نک: دایرة المعارف بریتانیکا، Martyr.

٢. دایرة المعارف بریتانیکا، Martyr.

٣. راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن کریم، شهادت را حضور توأم با مشاهده توسط بصر یا بصیرت و سخن‌گفتن ازروی علم و آگاهیِ حاصل از مشاهده، معنا می‌کند. سایر تعابیر برگرفته از واژهٔ شهادت که وی از آیات قرآنی استخراج کرده، عبارت است از: حاضرشدن، علم‌داشتن، حکم و داوری، اقرار، آگاهی و اطلاع دانشمندان به حکم و تقدیر الهی و... . (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۴۶۵/۱ و ۴۶۶)

٤. ابن‌فارس برای اطلاق شهید به کشته‌شدهٔ در راه خدا، دو قول ذکر کرده است: نخست آنکه، کشته‌شدهٔ در راه خدا شهید نامیده شده است؛ زیرا فرشتگان رحمت، شاهد او هستند؛ به این معنا که، بر او حاضر می‌شوند و دوم آنکه، ازآنجاکه وی بر زمین می‌افتد و زمین شاهد اوست، بر او این نام نهاده می‌شود (ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۲۲۱/۳).

٥. نک: جمهرة اللغة، المحکم و المحیط الأعظم، الصحاح و... . گفتنی است بسیاری از مفسران، شهید را در بعضی از آیات قرآن، به‌معنای کشتهٔ جنگ در راه خدا دانسته‌اند؛ اما به‌عقیدهٔ علامه طباطبایی، لفظ شهدا در قرآن، به‌معنای گواهان یا شاهدان اعمال است و شهید، به‌معنای کشتهٔ در معرکهٔ جنگ، معنایی مستحدث در روایات دینی و فرهنگ اسلامی است. آنچه مسلم است قرآن برای کشته‌شدن در راه خدا، از مادهٔ قتل و نه شهادت استفاده می‌کند...، برخلافِ استفادهٔ قرآن از مشتقات قَتَل در مفهوم شهادت؛ واژهٔ شهادت و مشتقات آن، به‌معنای کشته‌شدن در راه خدا در بسیاری از احادیث به کار رفته است که نشان می‌دهد کاربرد این واژه از همان صدر اسلام، به‌معنای کشته‌شدن در راه خدا نیز تثبیت شده بوده است، به‌ویژه آنکه گاهی این تعبیر، با وصف «فی سبیل الله» نیز همراه شده است... . (شفیعی، «شهادت» در دانشنامهٔ جهان اسلام).

٦. پاکتچی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، «برزخ».

7 .Gabriel Said Reynolds.

8 .Reynolds ،*The Quran and its Biblical Subtext,165*.

عروج خواهد کرد.[۹] وی این آموزه را متأثر از آموزه‌های کلیسا و ناظر به زیرمتن بایبلی بر می‌شمرد. ویم ریون،[۱۰] نویسندهٔ مدخل «شهید» در دایرةالمعارف قرآن لیدن، در پاسخ به این پرسش که آیا شهیدان پس از مرگ، بی‌درنگ به بهشت می‌روند؟ بر مبنای برداشت خویش از برخی روایات اسلامی می‌نویسد: «شهیدان، بی‌درنگ پس از مرگشان در بهشت خواهند بود...؛ اما بیشتر تفاسیر، گویای این نکته‌اند که شهیدان، نزدیک بهشت، نه در بهشت، زندگی جاودان دارند.»[۱۱] ریون اذعان می‌دارد که: «اگرچه قرآن به‌روشنی از بهشت به‌عنوان جایگاه ابدی کشتگان در جنگ سخن گفته است؛ اما تصریح نشده که شهیدان چه هنگام وارد آن می‌شوند.»[۱۲]

دربارهٔ موضوعات شهادت، معاد، برزخ، حیات برزخی و سایر مفاهیم مرتبط، در اسلام و یهودیت و مسیحیت، علاوه‌بر مداخلِ دایرةالمعارف‌هایی؛ همچون دایرةالمعارف بریتانیکا، دایرةالمعارف ریچارد الیاده، دایرةالمعارف قرآن لیدن و...، کتاب‌ها و مقاله‌ها و رساله‌های متعددی تحریر شده است، ازجمله: مقالهٔ «مقایسهٔ بین مفهوم شهادت در مسیحیت و اسلام»، اثر ابوالفضل عزتی و پایان‌نامه‌ای با عنوان «مبانی نظری شهادت در قرآن و کتاب مقدس»، اثر مرضیه نصرتی که در فصل دوم آن به بررسی واژهٔ شهادت در عهد عتیق و جدید و نیز مقام و جایگاه شهید در تورات، انجیل و ادیان و فِرَق مختلف پرداخته است. نیز در ضمنِ پایان‌نامه‌هایی همچون «معاد در قرآن و عهدین»، اثر جواد عبدی و «بررسی تطبیقی مسئلهٔ معاد در قرآن و کتب عهدین»، اثر کبریٰ بشیری‌نیا، به انگارهٔ برزخ و معاد در عهد عتیق و جدید پرداخته شده است. از میان تألیفات متعدد به زبان انگلیسی، کتاب «راهنمای معادشناسی اکسفورد» در این زمینه به بررسی‌های انتقادی مباحث آخرت‌شناسی از منظرهای مختلفِ کتاب مقدس، تاریخی، الهیاتی، فلسفی و فرهنگی می‌پردازد؛ اما به‌طور مشخص، برخی پژوهش‌هایی که به موضوع حاضر؛ یعنی وضعیت و سرنوشت شهدا پس از مرگ پرداخته‌اند، عبارت‌اند از: مدخل «شهید» در دایرة المعارف قرآن لیدن، به‌قلم ویم ریونِ، مقالهٔ «نقد روایات طائر در مدخل شهید دایرةالمعارف قرآن لیدن»، اثر زهره اخوان‌مقدم و نعیمه تقوی فردود و مقالهٔ «دیدگاه ترتولیان دربارهٔ زندگی پس از مرگ؛ تنها شهدا در بهشت هستند و سوءتفاهمات دیگر»، به‌قلم دیوید ویل‌هایت. رینولدز نیز در ضمن تلاش بر طرح ایده‌ای نو در باب رابطهٔ قرآن و کتاب مقدس در تألیفات خویش، به‌ویژه در کتاب «قرآن و زیر متن بایبلی آن» به این

9 :نک .Reynolds ،*The Quran and its Biblical Subtex*.۱۶۵.

۱۰. استاد دانشگاه فیلیپس ماربورگ آلمان.

۱۱. ریون، به اقوالی از تفسیر طبری و سیرهٔ ابن‌اسحاق اشاره می‌کند و می‌نویسد: «بیشترین تفاسیر در این زمینه، گویای این نکته‌اند که شهیدان نزدیک بهشت، نه در بهشت، زندگی جاودانه دارند. آنان نزد پروردگارشان‌اند، با میوه‌های بهشتی پذیرایی می‌شوند و نسیم بهشت را احساس می‌کنند؛ اما در خود بهشت نیستند یـا اینکه در کنار نهر بارق در آستانهٔ بهشت درون خیمه‌گاهی سبزرنگ، روزیِ آنان، روز و شب از بهشت می‌رسد (ریونِ، دایرةالمعارف قرآن لیدن، «شهید»).

۱۲. ریونِ، دایرةالمعارف قرآن لیدن، «شهید».

موضوع پرداخته است. تاجی در تقریر خود با عنوان «بازخوانی متن قرآن براساس سنت بایبلی، مروری بر کتاب «قرآن و زیرمتن بایبلی آن»، اثر گابریل سعید رینولدز، به معرفی این کتاب پرداخته است.

این جستار پس از معرفی اجمالی رینولدز و کتاب «قرآن و زیرمتن بایبلی آن» با رویکرد توصیفی و تحلیلی، درصددِ بررسی و ارزیابی یازدهمین نمونه‌پژوهی او در این کتاب با عنوان «کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندارید» و ایدهٔ جزای فوری شهدا پس از مرگ و زیرمتن بایبلی آن برآمده است. گفتنی است رینولدز در تألیف دیگرش با عنوان «قرآن و بایبل: متن و تفسیر»[۱۳] -که گونه‌ای تفسیر و حاشیه‌نویسی براساس متون بایبلی بر متن قرآن به شمار می‌رود-[۱٤] نیز تاحدی به این موضوع پرداخته است.

۱. رینولدز و تألیف وی، «قرآن و زیرمتن بایبلی آن»

گابریل سعید رینولدز، فارغ‌التحصیل مطالعات اسلامی از دانشگاه ییل و استاد مطالعات اسلامی و الهیات در دانشگاه نوتردام، محقق و پژوهشگر در حوزهٔ مطالعات قرآن و روابط میان مسلمانان و مسیحیان است.[۱۵] وی در تألیف خویش با عنوان «قرآن و زیرمتن بایبلی آن»،[۱٦] درصددِ طرح ایده‌ای نو در باب نسبت میان قرآن و متون عهدینی برآمده است. بحث کلی وی در این اثر آن است که پیوندی که مفسران مسلمان قرون میانی، میان وقایع زندگی پیامبر و قرآن ایجاد کرده‌اند، نباید مبنای پژوهش انتقادی قرار گیرد؛ درعوض، قرآن را باید در پرتوِ گفت‌وگوی آن با ادبیات قبلی، به‌ویژه ادبیات کتاب مقدس و آثار تفسیری یهودی مسیحی مطالعه کرد.[۱۷] رینولدز بر این اعتقاد است که قرآن با مخاطبی سخن می‌گوید که داستان‌ها و شخصیت‌های بایبلی را می‌شناسد و درنتیجه، برای فهم بهتر قرآن باید به متون بایبلی مراجعه کرد.[۱۸]

۲. سرنوشت و پاداش شهدا در قرآن و دیدگاه رینولدز دربارهٔ آن

رینولدز در مقدمهٔ نمونه‌پژوهی خویش با عنوان «کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندارید»،[۱۹] پس از طرح موضوع پاداش شهدا[۲۰] و بخشیده‌شدن گناهان ایشان[۲۱] و وعدهٔ ورود آن‌ها به

13 .*The Quran and the Bible*: *Text and Commentary*

۱٤. عدالت‌نژاد، گزارش و معرفی کتاب « قرآن و کتاب مقدس: متن و تفسیر».

15 . https://theology.nd.edu/people/gabriel-reynolds

۱٦. *The Quran and its Biblical Subtext*، این کتاب در سال ۲۰۱۰ توسط انتشارات راتلج منتشر شده است.

17 .Reynolds ،*The Quran and its Biblical Subtext,2*.

۱۸. تاجی، «بازخوانی متن قرآن براساس سنت بایبلی، مروری بر کتاب «قرآن و زیرمتن بایبلی آن»، ۱.

۱۹. برگرفته از آیات ۱٦۹ سورهٔ مبارکهٔ آل‌عمران و ۱٥٤ سورهٔ مبارکهٔ بقره.

۲۰. نساء: ۷۴؛ آل‌عمران: ۱۵۷.

۲۱. آل‌عمران: ۱۹۵ و ۱۷۵.

بهشت،[۲۲] فداکاری شهدا را کفارهٔ گناهانشان و سبب اجازهٔ ورود به باغ‌های بهشتی بر می‌شمرد و سپس به بیان ایدهٔ محوری خود با استناد به آیهٔ ۱٦۹ سوره آل عمران می‌پردازد و می‌نویسد: «در این امر، شهدا از سایر مؤمنان جدا می‌شوند. آن‌ها برای ورود به باغ‌های بهشتی، منتظر روز قیامت که اعمال انسان‌ها در آن روز در ترازوی الهی سنجیده خواهد شد، نیستند و قبلاً از پاداش خود لذت می‌برند.»[۲۳]

رینولدز معتقد است: اهمیت این آموزه -درخصوص پاداش فوری شهدا پس از مرگ- در پرتوِ سایر توصیفات آخرت‌شناختی در قرآن کریم آشکار می‌شود؛ زیرا قرآن تأکید می‌کند که مردگان، تنها در روز قیامت که روح و بدن دوباره به هم می‌پیوندند، زنده خواهند شد.[۲٤] او با استناد به سیاق آیات سورهٔ «ق» و نیز داستان اصحاب کهف به تبیین بیشتر این ادعا می‌پردازد که میان مرگ و روز قیامت ظاهراً هیچ محاکمهٔ فردی و جزای فوری وجود ندارد و بشر میان مرگ و رستاخیز خود، تجربه‌ای پیش‌رِو نخواهد داشت؛ اما شهید در این زمینه از امتیاز ویژه‌ای برخوردار است. وی -علاوه‌بر آیات ذکرشده- با استناد به ماجرای شهادت مرد عادل در سورهٔ یس بر این اعتقاد است که شهدا، تنها استثنا در قرآن از سرنوشت منسوب به مردگان هستند.[۲۵] رینولدز در بخش بعدی با عنوان «مشکلات مفسران» به بیان گزیده‌ای از آرای تفسیری مقاتل‌بن‌سلیمان، قمی، طبری، زمخشری و ابن‌کثیر ذیل آیات ۱٥٤ سورهٔ بقره و ۱٦۹ سورهٔ آل‌عمران می‌پردازد و برخی از روایات واردشده در سبب نزول آیات را نقل می‌کند. او ابن‌کثیر و طبری را در این دیدگاه -که شهدا بلافاصله پس از مرگ وارد بهشت خواهند شد- هم‌نظر و موافق می‌داند و روایتی را که ابن‌کثیر دربارهٔ شهادت پدر جابربن‌عبدالله انصاری در جنگ احد گزارش کرده است، ناظر بر برداشت خویش می‌پندارد؛ روایت آن است که پیامبر اکرم(ص) جابر را دلداری می‌دهد و می‌فرماید: «آیا به شما خبر نداده‌ام که خداوند تنها از پشت پرده با مردم صحبت می‌کند؟ اما اکنون او با پدرت رودررو سخن می‌گوید.»[۲٦] در این روایت، گفت‌وگوی بی‌واسطهٔ خداوند با شهید به‌منزلهٔ حضور بی‌درنگ وی در بهشت تلقی شده است. وی در ادامه، به بحث دربارهٔ دومین منازعهٔ تفسیری ذیل آیهٔ ۱٦۹ سورهٔ آل‌عمران دربارهٔ وضعیت ارواح شهدا در بهشت و چگونگی بهره‌مندی شهدا از رزق نزد پروردگار می‌پردازد و می‌نویسد: «ذکر رزقِ ظاهراً غذا نشان می‌دهد که شهدا با روح و جسم خویش در بهشت حضور دارند. این موضوع سبب پیدایش مشکلی برای مفسران در تفسیر این آیه شده است؛ زیرا روشن است که اجساد شهدا در قبور

---

۲۲. آل‌عمران: ۱۹۵؛ توبه:۱۱۱.

23 .Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext,156.

24 Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext,157.

25 Reynolds ،*The Quran and its Biblical Subtext*,157.

26. Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext,159.

روی زمین قرار دارند.»[۲۷]

رینولدز با نقل روایات متعدد پیرامون وضعیت ارواح شهدا در بهشت؛ ازجمله روایات طائر به‌نقل از مفسرانِ پیش‌گفته تلاش می‌کند که مناقشات تفسیری مفسران را در ذیل این آیه بررسی و تبیین کند. در بخش پایانی، پس از نقد دیدگاه ابن‌کثیر مبنی‌بر اینکه همهٔ مؤمنان پس از مرگ جزای فوری دریافت خواهند کرد، می‌نویسد: «این نظر، به‌سختی در قرآن مشهود است و قرآن جزای فوری پس از مرگ را از امتیازات خاص شهدا توصیف می‌کند.»؛ با این مقدمه، رینولدز قرآن را در چهارچوب محیط دینی‌اش مثمرِثمر می‌داند و معتقد است: این آموزه در میان آبای کلیسا، به‌طور عام و در میان پدران سریانی، به‌طور خاص و نیز نزد پدران کلیسا در غرب یافت می‌شود.[۲۸]

۳. بررسی دیدگاه رینولدز دربارهٔ حیات برزخی و سرنوشت شهدا پس از مرگ

رینولدز با استناد به آیات سورهٔ «ق»، داستان اصحاب کهف در سورهٔ کهف و داستان مرد و الاغ او در آیهٔ ۲۵۹ سورهٔ بقره،[۲۹] مفهوم حیات برزخی و دریافت پاداش و کیفر فوریِ بلافاصله پس از مرگ را در قرآن به چالش می‌کشد. وی از توالی آیات ۱۹ و ۲۰ سورهٔ «ق»: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنْهُ تَحِيدُ وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ» نتیجه می‌گیرد که میان مرگ و روز قیامت هیچ اتفاقی نخواهد افتاد.[۳۰] همچنین در داستان اصحاب کهف این موضوع را -که جوانان پس از بیدارشدن هیچ خاطره‌ای از آنچه در خوابشان رخ داده است، ندارند- نشانگر این می‌داند که انسان‌ها هیچ تجربه‌ای را در فاصلهٔ میان مرگ و رستاخیز نخواهند داشت و در واقع، هیچ محاکمه‌ای بلافاصله پس از مرگ وجود ندارد.[۳۱]

به نظر می‌رسد برداشت رینولدز از آیات قرآنی در خصوص حیات برزخی و موضوع پاداش و کیفر در این دوره، بی‌تأثیر از ابهام و اختلاف دیدگاه‌های موجود دربارهٔ مفهوم برزخ[۳۲] و سایر مفاهیم مرتبط در الهیات مسیحی و یهودی نیست. نویسندهٔ کتاب فرهنگ الهیات مسیحی می‌نویسد: «بر طبق آموزهٔ کاتولیک رومی، تمام نفوس تعمیدیافته که بدون توبه از گناهان مرده‌اند یا آنکه به‌سبب انجام گناهانی که جرم آن‌ها برطرف شده است مجازات نشده‌اند، به مکانی می‌روند که برزخ نام دارد. علی‌رغم بدفهمی عوامانه، برزخ دورهٔ آزمایش نیست؛ بلکه برای کسانی است که قبلاً از لطف فراطبیعی بهره برده و مقدر شده

---

27. Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 159.

28. Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 161,165.

۲۹. نمونه دیگر: مؤمنون: ۱۱۱-۱۱۴.

30 .Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 157.

31 .Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 157.

32. Purgatory

است نجات یابند؛ ولی به‌دلیل پیش‌گفته نمی‌توانند مستقیماً وارد بهشت شوند.»[۳۳] این در حالی است که پروتستان‌ها به‌دلایلی آموزهٔ برزخ را رد کرده‌اند، ازجمله: این آموزه، فاقد مبانی کتاب مقدسی است؛ تصور مجازات بعد از بخشایش را حفظ کرده و مستلزم آن است که جبران مسیح(ع) کاملاً کافی نیست و انجیل را که معتقد به بخشایش کامل گناهان است، تباه می‌سازد.[۳٤] در نمونه‌ای دیگر، دربارهٔ عبارتِ «او به دوزخ سقوط کرد»، در خصوص حضرت مسیح(ع) که در اعتقادنامهٔ موسوم به اعتقادنامهٔ رسولان موجود است و ترجمهٔ عبارت لاتین desendit ed inferna است، تفاسیر بی‌شماری پدید آمده است.»[۳۵] «روشن نیست که اسم inferna به چه چیز اشاره دارد؛ زیرا می‌توان آن را به مکان ارواح مرحوم یا دوزخ ترجمه کرد و این دو به‌هیچ‌وجه در باور سنتی مذهب کاتولیک رومی و مذهب ارتدکس شرقی به یک معنا نیست.»[۳٦] «عبارت فوق را می‌توان به‌صورت کسی که به عالم ارواح سقوط کرد، ترجمه کرد.»[۳۷] «کلیساهای یونانیِ اولیه احتمالاً عالم ارواح را به‌معنای دقیق، مشیر به دوزخ نمی‌دانستند؛ بلکه آن را مشیر به مکانی فراگیرتر متعلق به ارواح متوفا یا جایگاهی موقتی در بهشت می‌دانستند.»[۳۸] همچنین کلمهٔ Hades، به‌معنای «مکان ارواح متوفا» در سبعینه برای ترجمهٔ کلمهٔ عبری Sheol (هاویه) به کار رفته است؛ اما در الهیات‌های بعدی یهودیت و مسیحیت، ارواح متوفا بسته به رفتار دنیوی‌شان، مکان‌های مختلفی را به خود اختصاص می‌دهند. به همین سبب این واژه به نفع اسامی خاص‌تر متروک شده است.[۳۹] احتمالاً در اعتقاد عبری عامیانه در خصوص واژهٔ Sheol به‌معنای هاویه -که نامی است متعلق به سرزمینی که ارواح مردگان در آن اقامت دارند- تصورات خاصی وجود دارد؛ اما شایان توجه است که متون عهد عتیق دراین‌باره بسیار مبهم هستند. به نظر می‌رسد تمام ارواح مرحوم به آنجا می‌روند و ازاین‌رو، چندان با پاداش و عذاب ارتباط ندارند.[٤۰]

اما «دربارهٔ مفهوم آخرت‌شناختیِ برزخ در فرهنگ اسلامی باید گفت: هستهٔ اصلی شکل‌گیری این

---

۳۳. هاروی، فرهنگ الهیات مسیحی، ۲۰۸.

۳٤. هاروی، فرهنگ الهیات مسیحی، ۲۰۸. در همین ارتباط، ابهام و اختلافِ‌نظر دیگر را در خصوص اصطلاحِ «داوری ویژه» می‌توان یافت. این اصطلاح، اشاره به آن داوری دارد که بلافاصله پس از مرگ جسمانی و قبل از داوری نهایی، در خصوص نفس هر فرد انجام می‌شود. چنین تصوری در راست‌کیشی پروتستان و الهیات کاتولیک رومی وجود دارد، تنها تفاوت در آن است که در الهیات کاتولیک رومی، نفس ممکن است به برزخ فرستاده شود، نه به بهشت یا دوزخ، درحالی‌که به‌لحاظ سنتی در مذهب پروتستان، نفس، تنها به بهشت یا دوزخ فرستاده می‌شود (هاروی، فرهنگ الهیات مسیحی، ۱۳۷).

۳۵. هاروی، فرهنگ الهیات مسیحی، ٦٥ و ٦٦.

۳٦. هاروی، فرهنگ الهیات مسیحی، ۶۵.

۳۷. هاروی، فرهنگ الهیات مسیحی، ۱۱٤.

۳۸. هاروی، فرهنگ الهیات مسیحی، ۱۱۴ و ۱۱۵.

۳۹. نک: هاروی، فرهنگ الهیات مسیحی، ۱۱۴.

٤۰. نک: هاروی، فرهنگ الهیات مسیحی، ۲۳۰.

آموزه، به‌روشنی آیهٔ ۱۰۰ سورهٔ مؤمنون است که باوجودِ اختلاف مفسران در جزئیات، عموماً در تفسیر به مرحلهٔ میان مرگ تا رستاخیز از زندگی انسان بازگردانده شده است.»[۴۱] «در متون حدیثی نیز علاوه‌بر روایاتی که درصددِ تفسیر کاربرد قرآنی برزخ هستند، روایاتی وجود دارند که در آن‌ها برزخ به‌عنوان واژه‌ای از متن به کار رفته است و معنای رایج برزخ در این احادیث، همان حیات میان مرگ تا رستاخیز است.»[۴۲] رینولدز نیز به آیهٔ ۱۰۰ سورهٔ مؤمنون توجه دارد و دربارهٔ آن بیان می‌کند که این آیه را می‌توان دالّ بر حیات و وجود بشر پس از مرگ و پیش از فرارسیدن روز قیامت دانست؛ اما معتقد است که بااین‌حال، زبان در این آیه، زبان موعظه است و این آیه درصددِ بیان اهمیت به‌تعویق‌نینداختنِ توبه است و آیات بعد روشن می‌سازد که قضاوت فقط در آن روز رخ خواهد داد.[۴۳]

به‌اعتقاد رینولدز، در این میان -که براساس آیات ذکرشده انسان‌ها هیچ تجربه‌ای را در فاصلهٔ مرگ و رستاخیز خود نخواهند داشت و پاداش و عقابی دریافت نخواهند کرد- شهدا از امتیاز ویژه‌ای برخوردارند.[۴۴] وی در نمونه‌ای دیگر، امتیاز شهید در این زمینه را از تمثیل موجود در سورهٔ یس استنباط‌شدنی می‌داند و ماجرای شهروند عادلی را که بنابر آیات ۱۳تا۳۱ سورهٔ یس به دفاع از رسولان برآمده و ناگهان به وی گفته می‌شود که «وارد باغ شو»، حکایتگرِ دریافت جزای فوری پس از شهادت می‌داند.[۴۵] براین‌اساس و براساس آیات پیش‌گفته، او شهدا را تنها مورد استثنا در قرآن از سرنوشت منسوب به مردگان بر می‌شمرد. همان‌گونه که در جای دیگری با استناد به آیهٔ ۱۶۹ سورهٔ آل‌عمران می‌نویسد: «در این امر، شهدا از سایر مؤمنان جدا می‌شوند؛ آن‌ها برای ورود به باغ‌های بهشتی منتظر روز قیامت که اعمال انسان‌ها در آن روز در ترازوی الهی سنجیده خواهد شد، نیستند و قبلاً از پاداش خود لذت می‌برند. اهمیت این آموزه -در خصوص پاداش فوری شهدا پس از مرگ- در پرتوِ سایر توصیفات آخرت‌شناختی در قرآن کریم آشکار می‌شود؛ زیرا قرآن تأکید می‌کند کسانی که می‌میرند، تنها در روز قیامت که روح و بدن دوباره به هم می‌پیوندند، زنده خواهند شد.»[۴۶]

---

۴۱. پاکتچی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، «برزخ».

۴۲. پاکتچی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، «برزخ».

43. Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 157.

44 .Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 157.

۴۵. رینولدز می‌نویسد: اینجا دلالتی قوی وجود دارد که شهروند صالح، به‌دست ساکنان ستمکار شهرش کشته و درنتیجه، شهید شده است (Reynolds، The Quran and its Biblical Subtext، ۱۵۷).

46. Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 156,157.

۴. نقد و بررسی برداشت رینولدز در خصوص مراد از واژهٔ جنة و حیات برزخی شهید

براساس بیانات مذکور به نظر می‌رسد رینولدز مراد از جنة در آیات استنادشده را بهشت جاودان که مؤمنان در روز قیامت به آن وارد خواهند شد تصور کرده است، این در حالی است که هر دو مدعا؛ ورود شهیدان به بهشت جاودان اخروی بلافاصله پس از مرگ و عدم‌تجربه برزخ توسط ایشان و نیز عدم‌دریافت ثواب و عقاب عموم انسان‌ها پس از مرگ و پیش از رستاخیز، باتوجه‌به شواهد قرآنی و روایی از جهاتی چند نقدشدنی است:[۴۷]

نخست: واژهٔ جنة در روایات، افزون‌بر بهشت جاودان، برای بهشت برزخی نیز به کار رفته است.

در روایتی از امیرالمؤمنین(ع) در تفسیر نعمانی[۴۸] -که مشتمل بر استنادات قرآنی و درصددِ ردّ سخن کسانی است که ثواب و عقاب پیش از روز قیامت را انکار می‌کنند- دخول افراد سعید و شقیّ به بهشت و جهنم در آیات ۱۰۵ و ۱۰۸ سورهٔ هود، قبل از برپایی روز قیامت دانسته شده است. دلیل دیگر در این روایت، تعریف برزخ در آیهٔ ۱۰۰ سورهٔ مؤمنون است که به این معنا تبیین شده است: «امری میان دو امر که همان ثواب و عقاب میان دنیا و آخرت است.» در ادامهٔ روایت نیز عرضهٔ آتش در صبحگاهان و شامگاهان بر آل‌فرعون در آیهٔ: «ٱلنَّارُ يُعرَضُونَ عَلَيهَا غُدُوّا وَعَشِيّا وَيَومَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدخِلُوٓاْ ءَالَ فِرعَونَ أَشَدَّ ٱلعَذَابِ»[۴۹] و بهره‌مندی اهل بهشت از رزق در آیهٔ: «وَ لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيها بُكْرَةً وَ عَشِيًّا»،[۵۰] پیش از برپایی روز قیامت و مراد از بهشت، جنت حیاة؛ یعنی جنت برزخ[۵۱] دانسته شده است؛ زیرا صبح و شام مربوط به دورهٔ پیش از قیامت است، همچنان که عدم‌رؤیت خورشید در روز قیامت چنین می‌رساند که صبح و شامی در قیامت در کار نیست.

در روایتی دیگر از امام صادق(ع) آمده است که: «ابوبصیر گوید: از امام صادق(ع) دربارهٔ ارواح مؤمنان پرسیدم، فرمود: آنان در غرفه‌های بهشتی هستند، از غذای بهشتی می‌خورند و از آشامیدنی آن می‌نوشند و می‌گویند: پروردگارا! قیامت را برای ما برپا کن و به وعده‌ای که به ما داده‌ای، وفا کن و آیندگان ما را به پیشینیان ما ملحق ساز.»[۵۲]

---

۴۷. در این نقد که براساس شواهد قرآنی و روایی صورت پذیرفته است، از مقالهٔ «نقد روایت «طائر» در مدخل شهید «دایرة المعارف قرآن لیدن»»، اخوان‌مقدم و تقوی فردود بهره برده شده است.

۴۸. مجلسی، بحار الأنوار، ٦/ ٢٤٥ و ٢٤٦، به‌نقل از تفسیر نعمانی.

۴۹. غافر: ۴۶.

۵۰. مریم: ۶۲.

۵۱. مطهری، معاد، ۵۴.

۵۲. کلینی، الکافی، ۳/ ٢٤٤. این نمونهٔ روایی، از مقالهٔ «نقد روایت طائر در مدخل «شهید» دایرةالمعارف قرآن لیدن، اثر اخوان‌مقدم و تقوی فردود، وام گرفته

این روایات روشن می‌سازد که از بهشت برزخی نیز به‌عنوان جنة یاد می‌شود، همان‌طور که از عرضهٔ آتش در صبحگاهان و شامگاهان در آیهٔ ۴۶ سورهٔ غافر در روایت ذکرشده و نیز از دخول در آتش در آیهٔ ۲۵ سورهٔ نوح «مِّمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَنصَارًا»، جهنم و عذاب برزخی برداشت می‌شود.

در آرای تفسیری مفسران فریقین نیز به تمایز میان بهشت اخروی و بهشت برزخی توجه شده است.[۵۳] علامه طباطبایی مراد از بهشت در آیهٔ ۲۶ سورهٔ یس را بهشت برزخی می‌داند و می‌نویسد: «در این سخن خداوند: «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قالَ يا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِما غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ»، خطاب به مرد نام‌برده است -و آن‌گونه که از سیاق بر می‌آید- به این مطلب اشاره می‌کند که مردم آن مرد را کشتند و سپس از ساحت عزت خداوند به وی خطاب شد که داخل بهشت شو. مؤید این احتمال، ادامهٔ آیه است که می‌فرماید: «وَ ما أَنْزَلْنا عَلى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ»، چون در آیهٔ مورد بحث، جملهٔ «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ»، به‌جای خبر از کشته‌شدن مرد توسط قوم او قرار گرفته است تا به این مطلب اشاره کند که بین کشته‌شدن آن مرد به دست مردم قوم او و امر به داخل‌شدن وی به بهشت، فاصله و جدایی‌ای نبوده است، گویی که کشته‌شدن او به دست مردم، همان و دستور به داخل بهشت‌شدنش، همان است و بنابراین مراد از «جنة»، بهشت برزخ است و نه بهشت آخرت و سخن کسانی که می‌گویند مراد از آن بهشت آخرت است؛ به این معنا که، به او گفته خواهد شد: در روز قیامت وارد بهشت شو... داوریِ بدون دلیل است...»[۵۴]

قمی تذکر می‌دهد که: بهشتِ پیش از رستاخیز، از بهشت‌های دنیاست، نه آخرت.[۵۵] وی ذیل تفسیر آیهٔ ۱۰۸ سورهٔ هود بیان می‌کند که: «وَ أَمَّا قَوْلُهُ: وَ أَمَّا اَلَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي اَلْجَنَّةِ خالِدِينَ فِيها يَعْنِي فِي جِنَانِ اَلدُّنْيَا اَلَّتِي تَنْقُلُ إِلَيْهَا أَرْوَاحُ اَلْمُؤْمِنِينَ...»[۵۶] «سرانجام گفتنی است که در متون روایی و تفسیری، زندگی شهیدان و رزق یادشده در آیات ۱۵۴ سورهٔ بقره و ۱۶۹ سورهٔ آل‌عمران، دشواریِ زندگی برای کسانی که از ذکر خداوند روی‌گردان هستند، مورد اشاره در آیهٔ ۱۲۴ سورهٔ طه، دوبار زنده‌شدن و دو بار مردنِ یادشده در آیهٔ ۱۱ سورهٔ غافر، همه به حالت برزخ یا به‌اصطلاح، عالم برزخ بازگردانده شده است.»[۵۷]

دوم: توجه در آیهٔ شریفهٔ «وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ»[۵۸] روشن می‌سازد که شهیدان نیز مانند

شده است.

۵۳. نک: آلوسی، روح المعانی، ۱۷۹/۹، ذیل تفسیر آیهٔ ۵۸ سورهٔ حج.

٥٤. طباطبائی، المیزان، ۷۹/۱۷.

۵۵. پاکتچی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، «برزخ».

٥٦. قمی، تفسیر قمی، ۳۳۸/۱.

۵۷. پاکتچی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، «برزخ».

۵۸. آل‌عمران: ۱۵۸.

سایر مردگان در روز قیامت محشور می‌شوند و به‌تبع، در آن روز به منزلگاه ابدی خود رهسپار خواهند شد.[۵۹]

۵. نقد و بررسی استنادات رینولدز به تفسیر طبری در خصوص حیات برزخی شهدا پس از مرگ

رینولدز در مواضعی با استناد به تفسیر طبری به بیان این مطلب می‌پردازد که بنابر دیدگاه طبری، شهدا از دورهٔ برزخ در امان می‌مانند. وی نخست در بخش مشکلات مفسران می‌نویسد: «هیچ‌یک از این‌ها[٦٠] در تفسیر طبری وجود ندارد؛ او در عوض به تشریح آموزهٔ جزای فوری شهدا می‌پردازد. طبری در ذیل تفسیر آیهٔ ۱۵۴ سورهٔ بقره توضیح می‌دهد که شهدا زنده‌اند؛ زیرا از برزخ در امان مانده‌اند... معمولاً تصور می‌شود که این دوره با تفتیش عقاید و مجازات در قبر همراه باشد، اما بر طبق دیدگاه طبری ذیل آیاتی مانند آیهٔ ۱۵۴ سورهٔ بقره، شهدا کاملاً از این امر مستثنا هستند.»[٦١]

در بخش دیگری نیز با عنوان وضعیت ارواح شهدا در بهشت می‌نویسد: «طبری در تفسیر خود ذیل آیهٔ ۱۵۴ سورهٔ بقره، سه نظر متفاوت را دربارهٔ ارواح شهدا بیان کرده است... براساس نظر دوم، تنها چیزی که می‌توان گفت این است که شهدا برزخ را تجربه نمی‌کنند، قبور مؤمنان پس از مرگ به‌سوی بهشت گشوده می‌شود تا بوی آن را استشمام کنند، قبور کافران به‌سوی جهنم گشوده می‌شود تا آتش آن را ببینند؛ اما شهدا در این مدت در مقبره به‌طور کامل در امان هستند.»[٦٢]

این نقل و برداشت رینولدز از آرای طبری با مراجعه به تفسیر طبری ذیل آیهٔ ۱۵۴ سورهٔ بقره نادرست به نظر می‌رسد؛ توضیح آنکه، طبری پس از بیان روایت مجاهد دربارهٔ برزخ شهدا، خود نیز به‌روشنی از حیات برزخی شهدا سخن می‌گوید، وی در ابتدا از قول مجاهد می‌گوید: «از مجاهد دربارهٔ این سخن پروردگار «بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»، نقل شده است که از میوه‌های بهشتی رزق داده می‌شوند و رایحهٔ

۵۹. نک: اخوان‌مقدم، تقوی فردود، «نقد روایت طائر در مدخل «شهید» دایرةالمعارف قرآن لیدن»، ۴۳.

٦٠. مراد، توضیحات مقاتل و قمی در ذیل تفسیر آیهٔ ۱۵۴ سورهٔ بقره است. رینولدز دراین‌باره می‌نویسد: «دربارهٔ ثواب‌های بهشتی شهدا، تفسیر مقاتل، تنها برخی جزئیات توضیحی را ارائه می‌دهد (که بی‌توجه به مسائل اعتقادیِ مطرح‌شده در این آیات است). قمی توضیح می‌دهد که شهیدانی که از پاداش بهشتی لذت می‌برند، اعضای خاندان پیامبر(ص) و مؤمنانی هستند که از ایشان پیروی می‌کنند؛ یعنی شیعیان که به ناحق کشته شده‌اند. بنابراین در خصوص کسانی که نزد خدا زنده‌اند، قمی می‌گوید: آن‌ها به خدا سوگند حزب ما هستند: «شیعتنا». آن‌ها وارد بهشت شدند و از خدا عزت یافتند و به برادرانشان در دنیا که هنوز به ایشان نپیوسته‌اند، بشارت دادند. هیچ‌یک از این‌ها در تفسیر طبری وجود ندارد که در عوض به تشریح دکترین جزای فوری می‌پردازد...» (Reynolds، The Quran and its Biblical Subtext، ۱۵۸).

61. Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 158.

62. Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 160.

آن را استشمام می‌کنند، درحالی‌که در آن نیستند.»[۶۳] و در ادامه، به طرح روایات حضور ارواح شهیدان در صورت پرندگان سبزرنگ و سفیدرنگ می‌پردازد و با اشاره به روایات ناظر به وضعیت ارواح مؤمنان و کافران پس از مرگ و حیات برزخی آن‌ها و تأثر ایشان از ثواب و عقاب اخروی، به بیان امتیاز ویژهٔ شهدا دراین‌باره می‌پردازد و برخلافِ برداشت رینولدز، به‌روشنی از بهره‌مندی ارواح شهدا از خوردنی‌های بهشتی در طول حیات برزخی‌شان پیش از برانگیخته‌شدنشان در روز قیامت به‌عنوان امتیاز ویژهٔ شهیدان سخن می‌گوید.[٦٤] طبری در این موضع، درصددِ تبیین امتیاز مختصِّ شهیدان در آیه بر آمده است. او در پاسخ به این سؤال که: باوجودِ روایات رسول اکرم(ص) در خصوص احوال مؤمنان و کافران پس از وفاتشان، امتیاز شهیدِ در راه خدا در این آیه که شامل حال دیگران نمی‌شود، چیست؟ به‌عبارتِ‌دیگر، درحالی‌که سایرین از مؤمنان و کفار، غیر از شهید نیز در برزخ زنده‌اند، پس به‌جز حیات -که همهٔ انسان‌ها را در بر می‌گیرد- چه چیزی به شهیدِ در راه خدا اختصاص داده شده است؟ می‌نویسد: «آن چیزی که خداوند به شهدا اختصاص داده است، این است که آن‌ها از خوراکی‌های بهشت و خوردنی‌های آن در برزخشان پیش از برانگیخته‌شدنشان در قیامت روزی داده می‌شوند و آنچه که دیگران، تنها پس از قیامت در بهشت از آن متنعم هستند، شهدا در حیات برزخی‌شان پیش از زنده‌شدنشان در روز بعث، از آن متنعم‌اند. خوردنی‌های لذیذی که خداوند احدی غیر از شهدا را در برزخش پیش از زنده‌شدنش در قیامت از آن بهره‌مند نفرموده است و این، همان فضیلتی است که خداوند به شهدا اختصاص داده و به‌واسطهٔ آن، شهدا را برتری بخشیده است.»

بنابراین، نقل‌قول و برداشت رینولدز از تفسیر طبری مبنی‌بر اینکه شهدا برزخ را تجربه نمی‌کنند، نمی‌تواند صحیح باشد.

۶. بررسی آرای رینولدز دربارهٔ انگارهٔ اثرپذیری ایدهٔ «جزای فوری شهدا» از آموزه‌های پدران کلیسا و متون بایبلی

رینولدز پس از نقل اقوال مفسران و در بخش پایانیِ نمونه‌پژوهی‌های خویش می‌کوشد توضیح دهد که چگونه با رجوع به متون بایبلی می‌توان گره از ابهامات عبارات قرآنی گشود. از دیدگاه او، «قرآن به‌طور مستقل و در کنار دیگر موعظه‌نامه‌های مسیحی به وجود آمده است و درنتیجه، نقاط مشترک زیادی با این نوع کتاب‌ها، به‌ویژه در سنت سریانی دارد.»[٦٥] وی دربارهٔ انگارهٔ جزای فوری شهدا نیز پس از نقد دیدگاه

---

٦٣. طبری، جامع البیان، ۲۴/۲.

٦٤. طبری، جامع البیان، ۲۴/۲.

٦٥. تاجی، «بازخوانی متن قرآن بر اساس سنت بایبلی، مروری بر کتاب «قرآن و زیرمتن بایبلی آن» اثر گابریل سعید رینولدز»، ۶.

ابن‌کثیر،[٦٦] این آموزه را متأثر از تعلیمات پدران کلیسا بر می‌شمرد و سپس به بیان نمونه‌هایی ناظر بر این ایده از کتاب مقدس می‌پردازد و می‌نویسد: «در این موضوع، قرآن را می‌توان در چهارچوب محیط دینی‌اش مثمرِثمر دانست؛ زیرا این آموزه در میان پدران کلیسا، به‌صورت عام و در میان پدران سریانی، به‌طور خاص یافت می‌شود...[٦٧] نویسندگان عهد جدید، دریافت جزای فوری شهدا را به‌عنوان امتیازی خاص برای شهدا به رسمیت می‌شناختند. این تصور، به‌ویژه در میان نویسندگان سریانیِ متعلق به کلیساهای معروف به کلیساهای یعقوبی و شرقی سوریه، برجسته شد. تعالیم معادشناسی این کلیساها دقیقاً همان چیزی بود که قرآن پیشنهاد کرده بود: روح، قبل از اتحادِ دوباره با جسم، پاداش و کیفری دریافت نخواهد کرد. شهید، این دورۀ انتظار را تجربه نخواهد کرد؛ بلکه بلافاصله به بهشت صعود خواهد کرد... .»[٦٨]

رینولدز بیان می‌کند که دیدگاهِ عروجِ بلافاصلۀ شهدا به بهشت را می‌توان در میان پدران کلیسا در غرب نیز یافت؛[٦٩] ازجمله به عباراتی از ترتولیان[٧٠] -که برخی وی را پدر مسیحیت لاتین و بنیان‌گذار الهیات غربی نام نهاده‌اند- استناد می‌کند. وی این نقل از ترتولیان را ناظر بر فرضیه خود می‌داند که: «اگر همان‌طور که پارکلتوس توصیه می‌کند برای خدا بمیرید، نه در تب‌های خفیف و در بستر؛ بلکه با شهادت، اگر صلیب خود را بردارید و از خداوند همان‌گونه که او دستور داده است پیروی کنید، کلید تمام بهشت، خون شماست.»[٧١] و در ادامه، به‌نقل از رودورف اضافه می‌کند که: «دیری نپایید که در سنت مسیحی این اعتقاد ظاهر شد که شهید برخلافِ سایر مسیحیان، در Hades برای رستاخیز نهایی منتظر نخواهد ماند؛ بلکه مستقیماً به بهشت خواهد رفت.»[٧٢]

این در حالی است که این ادعای رینولدز باتوجه‌به نتایج حاصل از تحقیقات برخی از پژوهشگران غربی، قابل مناقشه به نظر می‌رسد. دیوید ویل‌هایت، استاد الهیات دانشگاه Baylor [٧٣] در مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه‌های ترتولیان دربارۀ زندگی پس از مرگ: تنها شهدا در بهشت هستند و سایر سوءتفاهمات»، به بررسی انتقادی انتساب این دیدگاه به ترتولیان می‌پردازد. وی در این مقاله این خوانش مکرر از دیدگاه

---

٦٦. دیدگاه ابن‌کثیر، مبنی‌بر آنکه همۀ مؤمنان جزای فوری را تجربه خواهند کرد، بیانگر استفادۀ وی از حدیث به‌عنوان منبعی موازی با قرآن است، (درحالی‌که) این نظر به‌سختی در قرآن مشهود است و قرآن، دریافت جزای فوری را از امتیازات خاص شهدا توصیف می‌کند (Reynolds، The Quran and its Biblical Subtext، ۱۶۱).

67. Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 161.١٦٤ و نک: همان،

68 .Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 164.

69 .Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 165.

٧٠. ترتولیان اولین نویسندۀ مسیحی به شمار می‌آید که مجموعۀ گسترده‌ای از ادبیات مسیحی لاتین را تألیف کرده است.

71. Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 165, ۵۵۴ پاورقی.

72 .Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 165.

73 .David E. Wilhite استاد دانشگاه الهیات ،Baylor.

ترتولیان در ادبیات محققان متأخر را که ترتولیان، تنها برای شهدا امکان دسترسی فوری به بهشت قائل است، نادرست می‌داند و آن را سوءبرداشتی از تحقیقات قبلی محققان بر می‌شمرد. وی در پژوهش خویش پس از بررسی دیدگاه‌های علمی ترتولیان دربارهٔ مباحث آخرت‌شناسی، به بررسی شواهد متضاد با این انگاره در آثار او و نیز علل رخداد این سوءبرداشت در میان دانشمندان متأخر می‌پردازد؛ به‌علاوه، شواهدی را در آثار ترتولیان گزارش می‌کند که نشان می‌دهد از دیدگاه ترتولیان شهدا نیز همانند سایر ارواح تا روز رستاخیز در مناطق پایین‌تر و Hades (مکان ارواح متوفا) باقی می‌مانند.

ویل‌هایت به‌نقل از اوهلر که مجموعه‌ای چهار جلدی از آثار ترتولیان را تدوین کرده است، بیان می‌کند که ازنظرِ ترتولیان، ارواح شهدا در بهشتی که در مناطق پایین‌تر است (Paradise) باقی می‌مانند. پدرسالاران[۷۴] در باغی آرام می‌گیرند، جایی که ارواح شهدا نیز در همان جا آرام می‌گیرد.[۷۵] در موضع دیگری نیز به بیان این مطلب می‌پردازد که ترتولیان در پایان دورهٔ نویسندگی‌اش دیدگاه خود را دربارهٔ چگونگی قضاوت نهایی[۷۶] روشن کرده است. از دیدگاه او میان زمان حال و داوری نهایی در روز رستاخیز، همهٔ ارواح در مناطق پایین‌تر منتظر می‌مانند تا دوباره با بدن‌های خود متحد شوند... در مرور سایر مکتوبات ترتولیان، این دیدگاه تکرار شده است و در این میان، هیچ استثنایی برای شهدا ذکر نمی‌شود.[۷۷] در جای دیگری می‌نویسد: «من سعی کردم دیدگاه‌های ترتولیان را در آثار مختلف وی روشن کنم و نشان دادم که ترتولیان معتقد است همهٔ ارواح، حتی شهدا در بخش‌های مختلف «مناطق پایین‌تر» در انتظار رستاخیز هستند، برخلافِ اجماع دانشمندان متأخر که خلاف این را می‌گویند...»[۷۸]

ویل‌هایت اذعان می‌کند که خوانش وی از دیدگاه ترتولیان، خوانشی جدید نیست؛ بلکه در واقع، همان خوانش محققان و دانشمندان اولیه دراین‌باره است.[۷۹] وی با ارائهٔ شواهدی از خوانش محققان اولیه از دیدگاه ترتولیان، به تبیین بیشتر مطلب می‌پردازد و دلایل اجماع محققان متأخر بر این تفسیر اشتباه را واکاوی می‌کند. بنابر پژوهش و مستندات ویل‌هایت، خوانش محققان اولیه[۸۰] از دیدگاه‌های ترتولیان دربارهٔ زندگی پس از مرگ بیانگر آن است که به‌عقیدهٔ ترتولیان همهٔ ارواح؛ ازجمله مسیحیان و شهدای مسیحی تا

---

۷۴. مراد از پدرسالاران، هریک از شخصیت‌های کتاب مقدس است که به‌عنوان پدرانِ نژاد بشر در نظر گرفته می‌شوند، به‌ویژه ابراهیم، اسحاق، یعقوب و اجداد آن‌ها و نیز پسران یعقوب.

75 .Wilhite، *Tertullian on the Afterlife* , 493.

۷۶. قضاوت یا داوری نهایی که بعضی مواقع آن را داوری عام نامیده‌اند، بنابر تعلیمات مسیحیِ سنتی، اشاره به آن داوری دارد که به‌وسیلهٔ آن، سرنوشت نهایی شخص پس از رستاخیز مردگان مشخص می‌شود (هاروی، فرهنگ الهیات مسیحی، ۱۳۷).

77 .Wilhite، *Tertullian on the Afterlife, 494*.

78 .Wilhite، *Tertullian on the Afterlife* , 501.

79 .Wilhite، *Tertullian on the Afterlife, 501,506*.

۸۰. ازجمله محققانی؛ مانند جان پیرسون، ویلیام استفان دابسون، فردریش لوفز، جیمز مرگان (Wilhite، *Tertullian on the Afterlife*، ۵۰۲).

روز رستاخیز در Hades باقی می‌مانند.[۸۱]

رینولدز علاوه‌بر اثرپذیری این ایده از آموزه‌های کلیسا، آیات ۱۶۹ سورهٔ آل‌عمران و ۱۵۴ سورهٔ بقره مبنی‌بر زنده‌پنداری شهدا در بهشت و پاداش فوری ایشان را انعکاسی از برخی آیات در کتاب مقدس بر می‌شمرد. وی پس از اذعان به اینکه به‌دلیل ارجاعاتِ اساساً اندکِ عهد عتیق دربارهٔ زندگی پس از مرگ، این ایده نیز به‌سختی در عهد عتیق اهمیت اساسی پیدا می‌کند،[۸۲] می‌گوید: به نظر می‌رسد عهد جدید ایدهٔ جزای فوری شهدا را بازتاب می‌دهد. سپس به بیان شواهدی از کتاب مقدس می‌پردازد.[۸۳] در ادامه، دو نمونه از این شواهد را نقد و بررسی می‌کنیم.

رینولدز، به‌عنوان یکی از شواهد، به فرازهایی از کتاب مکاشفه استناد می‌کند و می‌نویسد: «این، - یعنی آیهٔ ۱۶۹ سورهٔ آل‌عمران- بخشی از کتاب مکاشفه را منعکس می‌کند که به توصیف شهدای «مهرشده» (مکاشفه ۷:۴) و زنده در بهشت می‌پردازد: «وقتی او مهر پنجم را شکست، من در زیر قربانگاه، جان همهٔ مردمی را دیدم که به‌سبب کلام خدا کشته شده بودند، برای شهادت‌دادن به آن» (مکاشفه ۶:۹ و ۲:۱۰، ۷:۹)[۸٤]

در این خصوص، دو نکته درخورِ تأمل است: اول، مراد از عبارتِ «زیر قربانگاه یا محراب»، مکان آن و نسبت میان مفهوم برزخ و بهشت با آن است که ظاهراً در الهیات مسیحی، تصویر ثابت و روشنی از آن ارائه نشده است.[۸۵]

ویل‌هایت، در ضمن بیان دیدگاه ترتولیان در خصوص امکان دیدار مسیحیان با مسیح(ع) پیش از روز رستاخیز، به نسبت میان موقعیت بهشت (Paradise) با محراب (Altar) اشاره می‌کند و می‌نویسد: «پیش از نفخ صُور، مسیحیان نمی‌توانند برای دیدار با مسیح صعود کنند. به‌عقیدهٔ ترتولیان، قدیسان قدیم، به‌دلیل نزول مسیح به هادس، به «بهشت: Paradise» منتقل شده‌اند، مکان این بهشت، به‌طور دقیق‌تر «زیر محراب» است... همهٔ این موارد به «مکان‌های پایین‌تر» (Inferi) مرتبط است. مسیح پس از سقوط به (Inferi)، به «بهشت بالاتر» (Heaven) صعود می‌کند... .»[۸٦]

نکتهٔ شایان توجه، تمایز میان Heaven و Paradise است. ویل‌هایت دراین‌باره می‌نویسد: «مخالفان

81 .Wilhite، *Tertullian on the Afterlife*, 502.

82 .Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 161,162.

83 .Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 162.

۸٤. Reynolds، *The Quran and the Bible: Text and Commentary*، ۱۴۴؛ و نیز نک: Reynolds، *The Qur'an and its Biblical Subtext*، ۱۶۴.

۸۵. نک: Lichtenwalter، "Souls Under the Altar" John's Apocalypse"، ص۸۱-۸۷.

86 .Wilhite،Tertullian on the Afterlife, 498,499.

ترتولیان ادعا می‌کنند که ارواح مسیحی از قبل در بهشت (Paradise) هستند، درحالی‌که ارواح شرور در «مکان‌های پایین‌تر» (inferis) اند. ترتولیان اصرار دارد که «قلمروِ پایین»، به دو قسمت تقسیم می‌شود: «مکان‌های پایین خوب و بد.» به نظر می‌رسد «بهشت: Paradise»، نام‌گذاری ترتولیان برای بخش توأم با راحتی و خوشیِ «منطقهٔ پایین‌تر» است.[۸۷] ترتولیان تأکید می‌کند که همهٔ ارواح تا قیامت در «نواحی پایین‌تر» منتظر هستند. وی پیش‌تر توضیح داده است که بهشت (Heaven) چگونه، نه باز است و نه بسته: «بهشت (Heaven) به‌روی هیچ‌کس باز نیست، درحالی‌که زمین در امان و زندگی زمینی برقرار است؛ اما این را هم نباید بگویم که بهشت (Heaven)، بسته است؛ زیرا وقتی دنیا به پایان برسد، پادشاهی آسمان را خواهد گشود.» به‌عبارتی، Heaven و Paradise یکسان نیستند. دومی، باغی در مناطق پایین و «زیر محراب» است، جایی که ارواح مقدسان در انتظار رستاخیز جسمی خود هستند... .»[۸۸]

در مواضع دیگری از دیدگاه ترتولیان دیده می‌شود که این بهشت (Paradise)، از مکان‌های پایین‌تر متعلق به عذاب متمایز است؛ اما همچنان داخل این ناحیه به شمار می‌رود.[۸۹] به نظر می‌رسد به‌طورکلی این انگاره می‌تواند متناظر با اعتقاد به بهشت برزخی و بهشت جاودان در اندیشهٔ اسلامی تلقی شود و برخلافِ ادعای رینولدز، بهره‌مندی شهید را از بهشت برزخی و نه اخروی، بلافاصله پس از مرگ، در الهیات مسیحی بازنمایی کند. در صورت اثبات این ایده در الهیات مسیحی، اشتراک این مفهوم ثانویه در الهیات مسیحی‌یهودی و الهیات اسلامی، مبنی‌بر حضور شهدا در بهشت برزخی پیش از روز رستاخیز، نه براساس انگارهٔ انعکاس آموزه‌های کلیسا و متون بایبلی در معارف قرآنی؛ بلکه در پرتوِ اعتقاد به منشأ واحد وحی در ادیان الهی، تبیین‌شدنی است.

نکتهٔ دوم آن است که اگر به آیات بعدی توجه کنیم، به‌روشنی سخن از آن است که شهیدان نیز دورهٔ انتظاری را تجربه خواهند کرد که می‌تواند تعبیری از حیات برزخی ایشان تلقی شود.

در کتاب مکاشفه ۱۱-۹ :۶ آمده است: «وقتی مهر پنجم را باز کردم، قربانگاهی ظاهر شد، زیر قربانگاه روح‌های کسانی را دیدم که برای موعظهٔ کلام خدا و شهادت راستین خود شهید شده بودند(۹). ایشان با صدایی بلند به خداوند می‌گفتند: ای خداوند پاک و حق! تا به کی بر ساکنان زمین داوری نمی‌کنی و انتقام خون ما را از آنان نمی‌گیری؟(۱۰) سپس به هریک از ایشان، ردایی سفید دادند و گفتند کمی دیگر نیز استراحت کنند تا هم‌قطارانشان که باید مانند ایشان به‌دلیل خدمت به عیسی شهید شدند، به جمع آنان

87Wilhite ،Tertullian on the Afterlife, 499.

88 .Wilhite،Tertullian on the Afterlife, 499.

89. Wilhite،Tertullian on the Afterlife , 499,500.

بپیوندند.(۱۱)»

در این آیات به شهدا گفته می‌شود که منتظر بمانند (چون دو مهر دیگر باقی‌مانده تا باز شود) و اندکی دیگر، در قبر خود آرام بگیرند. یکی از محققان دراین‌باره می‌نویسد: «در این ارائهٔ نمادین از امید به رستاخیز که مدت‌ها پیش توسط کسانی که جان خود را از دست دادند برگزار شد، مردگان نقش فعالی ایفا نمی‌کنند؛ اما باید صبورانه منتظر زمان تعیین‌شده توسط خداوند باشند. این امر، این درک کتاب مقدس را تأیید می‌کند که مرده در قبر آرام می‌گیرد تا اینکه در زمان رستاخیز فراخوانده شود.»[۹۰]

نمونهٔ دیگر، داستان ایلعازر فقیر و مرد ثروتمند در انجیل لوقاست. رینولدز دراین‌باره می‌نویسد: «لوقا، وجود اَسَف‌بار ایلعازر را که از گرسنگی، بیماری و نادیده انگاشته‌شدن در این زندگی رنج می‌برد و حضور مردی راحت و ثروتمند را توصیف می‌کند که زندگی وی با تجملات و جشن‌ها همراه بود. هنگامی که ایلعازر درگذشت، فرشتگان او را به آغوش ابراهیم بردند. لوقا توضیح می‌دهد که وقتی مرد ثروتمند مُرد، او را دفن کردند. بنابراین به نظر می‌رسد این مَثَل نشان می‌دهد که ایلعازر دفن نشده است؛ یعنی در هنگام مرگ، جسم و روح او به بهشت برده شد. ظاهراً این امتیاز فوق‌العاده، به‌دلیل رنج او به وی اعطا شد.»[۹۱]

از دیدگاه رینولدز، گزارش لوقا مبنی‌بر آنکه؛ ایلعازر پس از مرگ به «آغوش ابراهیم» سپرده می‌شود، درحالی‌که در خصوص مرد ثروتمند، تنها گزارش دفن‌شدن او آمده است، بیانگر آن است که جسم و روح ایلعازر پس از مرگ به بهشت برده شده و بدین ترتیب، بدون دفن‌شدن بلافاصله پاداش بهشتی خویش را دریافت کرده است.

نکتهٔ درخورِ تأمل در این میان، مفهوم «آغوش ابراهیم» است. گفته شده است که آغوش ابراهیم جایی است که مردگان صالح تا روز رستاخیز در آرامش و سعادت ابراهیم (پدر مؤمنان) سهیم می‌شوند.[۹۲] این مفهوم (آغوش یا سینهٔ ابراهیم) که گاهی متناظر با بهشت تلقی می‌شود،[۹۳] از دیدگاه ترتولیان نیز متعلق به مکان‌های پایین‌تر شمرده می‌شود.[۹۴] وی سینهٔ ابراهیم را بخشی از هادِس توصیف کرده است که در آن مردگان عادل، در انتظار روز (داوری) خداوند هستند. اسقف کایه نیز خاطرنشان می‌کند که سینهٔ ابراهیم و Inferi در واقع، مکان‌های متفاوتی نیستند؛ بلکه سطوح متفاوتی از یک عالم مردگان هستند.[۹۵] دقت در

90 .Ella Smith ،*Waking Up to Eternity in" Life Beyond the Grave"* , *173,174*.

91 .Reynolds ،The Quran and its Biblical Subtext, 162.

۹۲. نک: The Bosom of Abraham در The Catholic Encyclopedia.

93 Wilhite ،Tertullian on the Afterlife, 504.

94. Wilhite،Tertullian on the Afterlife، ۵۰۰پاورقی.

95 .Wilhite،Tertullian on the Afterlife , 504.

داستان کامل ایلعازر، بیان فوق را تأیید می‌کند. در داستان کامل ماجرای ایلعازر فقیر و مرد ثروتمند،[۹۶] پس از مرگ فرد ثروتمند گفت‌وگویی میان ابراهیم و او صورت گرفته است که در آن مرد ثروتمند برای نجات از عذاب خویش به ابراهیم توسل می‌جوید. در این داستان، جسم مرد ثروتمند عذاب شده است، همان‌طور که جسم ایلعازر از نعمات بهره‌مند می‌شود. بنابراین سخن از دفن‌شدن مرد ثروتمند یا سخن‌نگفتن از تدفین ایلعازر و بیان صِرفِ حضور او در آغوش ابراهیم نمی‌تواند شاهدی بر عروج روحانی و جسمانیِ تنها ایلعازر به شمار رود. ضمن آنکه، گفت‌وگوی میان ابراهیم و مرد ثروتمند، ناظر بر حضور توأمان هردو در یک دورهٔ زمانی است که به نظر می‌رسد می‌تواند دورهٔ برزخ تلقی شود. نتیجه آنکه، این داستان می‌تواند شاهدی بر ایدهٔ جزای فوری شهید به شمار رود؛ اما اولاً، شاهد مثال بر عدم‌تجربهٔ برزخ ازسوی شهدا نیست و می‌توان آن را ناظر بر بهشت و نعمات برزخی تلقی کرد؛ ثانیاً، گویای انحصار بهره‌مندی از پاداش فوری برای شهدا نیست.

نتیجه‌گیری

رینولدز در کتاب خود با عنوان «قرآن و زیرمتن بایبلی آن» با نقد خوانش قرآن در پرتوِ متون پساقرآنی؛ یعنی سیرهٔ پیامبراکرم(ص) و تفسیر مفسران مسلمان بر این اعتقاد است که قرآن را باید در پرتوِ گفت‌وگوی آن با ادبیات پیشاقرآنی، به‌ویژه ادبیات کتاب مقدس مطالعه و تحلیل کرد. رینولدز معتقد است که قرآن‌پژوه باید راجع به گفت‌وگوی قرآن با متون قبلی، به‌ویژه با ادبیات کتاب مقدس هوشیار باشد. در همین راستا، وی مطالعات موردی را به‌عنوان تمرینی برای گوش‌کردن از نزدیک به مکالمهٔ میان قرآن و متون مقدس قبلی می‌داند. به این ترتیب، او در فصل دوم تألیف خویش با بررسی سیزده نمونهٔ قرآنی می‌کوشد نشان دهد که تفاسیر اسلامی از عهدهٔ دستیابی به معنای قرآن بر نیامده و به‌دنبال یافتن زیرمتن بایبلی در تفسیر آیاتِ اشاره‌شده است؛ ازجمله، وی در نمونه‌پژوهیِ خویش با موضوع دریافت جزای فوری شهدا پس از مرگ و عدم‌تجربهٔ حیات برزخی ایشان، ابتدا به برداشت خویش از ظواهر آیات و روایات و آرای تفسیری، به‌ویژه آرای تفسیری طبری تکیه کرده و در ادامه، با طرحِ وجود پیشینی این تعلیم در آموزه‌های پدران کلیسا و بیان شواهدی از کتاب مقدس، درصددِ تبیین و اثبات انگارهٔ اثرپذیری این ایده از آموزه‌های کلیسا و متون بایبلی برآمده است. در این پژوهش، پس از بررسی و ارزیابی دیدگاه رینولدز و دلایل و شواهد وی، نمایان شد که ادله و برداشت رینولدز در هر سه حوزهٔ یادشده؛ یعنی استدلال به ظواهر برخی آیات و روایات، وجود پیشینی این تعلیم در آموزه‌های پدران کلیسا و شواهدی از کتاب مقدس، با مشکل روبه‌روست. در حوزهٔ

---

۹۶. انجیل لوقا: آیات ۱۹-۲۶.

اول، ادلۀ قرآنی و شواهد روایی، ازجمله به‌کارگیری واژۀ «جنة» برای بهشتِ برزخی در لسان روایات نشان می‌دهد این ادعا که شهدا پس از مرگ، حیات برزخی را تجربه نخواهند کرد، صحیح به نظر نمی‌رسد. ضمناً با رجوع به تفسیر طبری، صحت برداشت رینولدز از آرای تفسیری طبری محل خدشه واقع و مشخص شد که برخلافِ ادعای رینولدز، از دیدگاه طبری نیز شهدا حیات برزخی را تجربه می‌کنند. در حوزۀ دوم، با رجوع به استنادات و نتایج حاصل از پژوهش دیوید ویل‌هایت مشخص شد که برخلافِ ادعای رینولدز –که هم‌راستا با نگرش سایر محققان متأخر به شمار می‌رود– این ایده که از دیدگاه ترتولیان، تنها شهدا جزای فوری را دریافت کرده و برزخ را تجربه نمی‌کنند، صحیح نیست؛ بلکه این انگاره با رجوع به خوانش محققان اولیه از آرای ترتولیان، به‌عنوان سوءتفاهمی در آرای او تلقی شده است. در خوانش محققان اولیه، از دیدگاه ترتولیان نیز شهدا تا روز رستاخیز در مکان ارواح متوفا باقی خواهند ماند. در حوزۀ سوم، دقت در سیاق و بازخوانی برخی اصطلاحات موجود در بعضی از آیاتِ شاهدِ مثالِ رینولدز از کتاب مقدس نشانگر آن است که این شواهد، خود می‌تواند برخلافِ ادعای رینولدز بیانگر حیات برزخی شهدا در کتاب مقدس به شمار آید. در صورت اثبات این ایده، اشتراک این مفهوم ثانویه در الهیاتِ مسیحی–یهودی و الهیات اسلامی، مبنی‌بر حضور شهدا در بهشت برزخی پیش از روز رستاخیز، نه براساس انگارۀ تأثیر آموزه‌های پدران کلیسا و متون بایبلی بر معارف قرآنی؛ بلکه در پرتوِ اعتقاد به منشأ واحد الهی وحی، تبیین‌شدنی است.

منابع

قرآن کریم

کتاب مقدس

آلوسی، محمودبن‌عبدالله. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.

ابن‌درید، محمدبن‌حسن. جمهرة اللغة. بیروت: دار العلم للملايين، چاپ‌اول، ۱۹۸۷م.

ابن‌سیده، علی‌بن‌اسماعیل. المحکم و المحیط الأعظم. بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ‌اول، ۱۴۲۱ق.

ابن‌فارس، احمدبن‌فارس. معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الأعلام الإسلامی، مرکز النشر، چاپ‌اول، ۱۴۰۴ق.

اخوان مقدم، زهره، نعیمه تقوی فردود. «نقد روایت «طائر» در مدخل «شهید» دایرة المعارف قرآن لیدن». حدیث حوزه. ش۱۶ (بهار و تابستان ۱۳۹۷): ۳۹_۵۷.

پاکتچی، احمد. «برزخ». در دایرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱.

تاجی، ایمان. «بازخوانی متن قرآن بر اساس سنت بایبلی، مروری بر کتاب «قرآن و زیرمتن بایبلی آن» اثر گابریل

سعید رینولدز». مجلهٔ اینترنتی دور نما، مطالعات تطبیقی قرآن. فصل سوم، قسمت هشتم.

جوهری، اسماعیل‌بن‌حماد. الصحاح. بیروت: دار العلم للملایین، چاپ‌سوم، ۱۴۰۴ق.

ریون، ویم. «شهید». در دایرة المعارف قرآن :Encyclopaedia of the Quran، ترجمهٔ سیده زهرا مبلغ. تهران: حکمت، ۱۳۹۰.

راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم، چاپ‌اول، بی‌تا.

شفیعی، سعید. «شهادت» در دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حداد عادل و دیگران. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.

طباطبائی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

طبری، محمدبن‌جریر. جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.

عدالت‌نژاد، سعید. «گزارش و معرفی کتاب «قرآن و کتاب مقدس: متن و تفسیر». منتشرشده در سایت: *https://atharebartar.com/?p=15028*

قمی، علی‌بن‌ابراهیم. تفسیر القمی. قم: دار الکتاب، ۱۳۶۳.

کلینی، محمدبن‌یعقوب. الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

مجلسی، محمدباقربن‌محمدتقی. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار. بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

مطهری، مرتضی. معاد، تهران: صدرا. بی‌تا.

هاروی، ون آستن. فرهنگ الهیات مسیحی. ترجمهٔ جواد طاهری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ‌اول، ۱۳۹۰.

Reynolds، Gabriel Said، ed. (2010). *The Qur'an and its Biblical Subtext*. London: Routledge.

Reynolds، Gabriel Said. (2018). *The Quran and the Bible: Text and Commentary*. Yale University.

David E. Wilhite. (2021). "Tertullian on the Afterlife: "Only Martyrs are in Heaven" and Other Misunderstandings" Journal of Ancient Christianity. doi/10.1515/zac-2020-0051

Ella Smith Simmons. (2019). Article: Waking Up to Eternity in " Life Beyond the Grave"(Christian Interfaith Perspectives).

Larry L. Lichtenwalter. (2015). "Souls Under the Altar": The 'Soul' and Related Anthropological Imagery in John's Apocalypse، Journal of the Adventist Theological Society.

نرم‌افزارهای جامع التفاسیر نور، قاموس النور و جامع الأحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور

https://www.britannica.com.

https://www.bibleref.com.

https://www.newadvent.org.

https://www.catholic.org/encyclopedia.

Transliterated Bibliography

Akhawānmuqadam, Zuhrih, Naʿīmih Taqavī Fardūd. "Naqd-i Rivāyat "Ṭāʾir" dar Madkhal-i "Shahīd" Dāʾira al-Maʿārif Qurān Leiden". *Ḥadīth Ḥawzah*. no. 16 (spring and summer 2019/1397): 39-57.

Ālūsī, Maḥmūd ibn ʿAbd Allāh. *Rūḥ al-Maʿānī fī Tafsīr al-Qurān al-ʿAẓīm wa al-Sabʿ al-Mathānī*. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmīyya, 1994/1415.

Harvey, Van Austin. Farhang Ilāhīyāt Masīḥī. translated by Javād Ṭāhirī. Tehran: Pazhūhishgāh-i ʿUlūm-i Insānī va Muṭāliʿāt-i Farhangī, Chāp-i Awwal, 2012/1390.

Ibn Durayd, Muḥammad ibn Ḥasan. *Jamhara al-Lugha*. Beirut: Dār al-ʿIlm li-l-Malāyīn. Chāp-i Awwal, 1987/1407.

Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. *Muʿjam Maqāyīs al-Lugha*. Qum: Maktab al-Aʿlām al-Islāmī, Markaz al-Nash, Chāp-i Awwal, 1984/1404.

Ibn Sīdah, ʿAlī ibn Ismāʿīl. *al-Muḥkam wa al-Muḥīṭ al-Aʿẓam*. Beirut: Dār al-Kutub-i al-ʿIlmīyya, Chāp-i Awwal, 2000/1421.

ʿIdālatnizhād, Saʿīd. "Guzārish va Muʿarifī "Kitāb "Qurān va Kitāb Muqaddas: Matn va Tafsīr". Muntashir Shudih dar Sāyt: *https://atharebartar.com/?p=15028*

Jawharī, Ismāʿīl ibn Ḥammād. *al-Ṣiḥāḥ*. Beirut: Dār al-ʿIlm li-l-Malāyīn, Chāp-i Siwum, 1984/1404.

Kitāb Muqaddas.

Kulīnī, Muḥammad ibn Yaʿqūb. *al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1987/1407.

Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Biḥār al-Anwār al-Jāmiʿa li-Durar Akhbār Aʾimma al-Aṭhār*. Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Tūrāth al-ʿArabī, 1983/1403.

Muṭaharī, Murtażā. *Maʿād*, Tehran: Ṣadrā, s.d.

Pākatchī, Aḥmad. "Barzakh". dar *Dāʾira al-Maʿārif-i Buzurg Islāmī*. Tehran: Markaz Dāʾira al-Maʿārif Buzurg Islāmī, 2003/1381.

Qumī, ʿAlī ibn Ibrāhīm. *Tafsīr al-Qumī*. Qum: Dār al-Kitāb. 1985/1363.

Qurān-i Karīm.

Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. *Mufradāt Alfāẓ al-Qurān*. Beirut: Dār al-Qalam, Chāp-i Awwal, s.d.

Raven, Wim. "Shahīd". *Encyclopaedia of the Quran.* translated by Sayyidah Zahrā Mubaligh. Tehran: Ḥikmat, 2012/1390.

Shafīʿī, Saʿīd. "Shahādat" dar *Dānishnāmih-yi Jahān-i Islām,* zīr nażar Ghulām ʿAlī Ḥadād ʿĀdil et al. Tehran: Bunyād-i Dāʾira al-Maʿārf-i Islāmī, 1997/1375.

Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr. *Jāmiʿ al-Bayān fī Tafsīr al-Qurān*. Beirut: Dār al-Maʿrifa, 1992/1412.

Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qurān*. Qum: Daftar Intishārāt-i Islāmī. 1996/1417.

Tājī, Īmān. "Bāzkhānī Matn Qurān bar Asās Sunat Bāybilī, Murūry bar Kitāb "Qurān va zīr Matn Bāybilī ān" Athar Gabriel Said Reynolds". *Majalih-yi Intirnitī Durnamā*, *Muṭāliʿāt Taṭbīqī Qurān*. Faṣl 3, Qismat 8.